خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• شنبه، ۱۰ آذر ۱۴۰۳ • ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۶۴۷ • ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴

تقویم تاریخ

تولد شادترین و غمگین‌ترین نویسنده دنیا

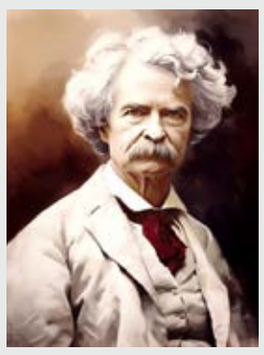

ساموئل لنگهورن کلمنز، متخلص به مارک تواین (۱۸۳۵ تا ۱۹۱۰) نویسنده و طنزپرداز آمریکایی بود. او شهرت خود را مدیون رمان ماجراهای هاکلبری فین، ماجراهای تام سایر و شاهزاده و گداست. ویلیام فاکنر او را پدر ادبیات آمریکا نامیده است. نام مستعار مارک تواین برگرفته از نام یک ناخدا بود که گزارش‌های روزانه خود را در روزنامه محلی چاپ می‌کرد. در سال ۱۸۶۶ با آلتا کالیفرنیا برجسته‌ترین روزنامه غرب قرار دادی به این مضمون امضا کرد: خبرنگار سیار بدون محدودیت مکان و زمان و سمت که دور کره زمین می‌گردد و ضمن سفر گزارش می‌نویسد. او با اولیویا لنگدون دختر یکی از ثروتمندان نیویورک ازدواج کرد. در ۲۰ سال بین ۱۸۷۵ تا ۱۸۹۴ شادترین و ثروتمندترین نویسنده بود و بهترین کتاب‌هایش را در این مدت نوشت. اما در نیمه دهه ۱۸۹۰ اندوه روزافزونی نصیبش شد. دختر جوانش وقتی مارک و همسرش در خارج بودند، مُرد. همسرش که سال‌ها بیمار بود از دنیا رفت و کوچک‌ترین دخترش ناگهان در شب کریسمس فوت کرد. در سال ۲۰۱۰ پس از گذشت ۱۰۰ سال از مرگ مارک تواین، خودزندگی‌نامه‌وی توسط دانشگاه برکلی کالیفرنیا منتشر شد. او این خودزندگی‌نامه را در دهه آخر عمرش نوشته و خواسته بود تا یک قرن پس از مرگش انتشار نیابد. در مدت کوتاهی ۲۷۵ هزار نسخه از جلد اول کتاب فروخته شد.

اکشن تخیلی چی ببینیم؟

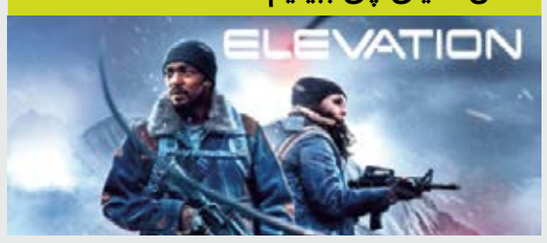

زمین در محاصره عجیب‌ترین هیولاها

فیلم «ارتفاع» یکی از جدیدترین اکشن‌های سینمای جهان است که با بازی آنتونی مکی و مورنا باکارین به‌تازگی اکران شده؛ داستان فیلم در دنیایی پسارستاخیزی می‌گذرد؛ زمانی که هیولاهایی مرموز از دل زمین بیرون آمده‌اند و بخش زیادی از جمعیت سیاره را شکار کرده‌اند؛ هیولاهایی مرموز که فقط گونه انسان را شکار می‌کنند؛ آن‌هم نه برای تغذیه و هیچ سلاحی هم روی‌شان اثرگذار نیست؛ اما مثل همیشه یک نقطه ضعف دارند؛ چون از یک ارتفاع خاص نمی‌توانند بالاتر بروند؛ در این بین یک پدر همراه یک محقق باید برای پیدا کردن دارو و نجات جان یک کودک از دل کوه به محلی بروند که در محاصره هیولاهاست و فیلم از همین جا نفس‌گیر می‌شود. اگر با منطق چنین آثاری کنار می‌آیید تماشای این اثر می‌تواند برای شما صرفاً سرگرم‌کننده باشد.

معرفی بازی ورزشی

باشگاه خودت رو افتتاح کن

نام: مربی برتر: فوتبال
حجم: ۱۲۸ مگابایت
امتیاز: ۴/۷

اگر همیشه آرزو داشتی که مربی تیم رویاهایت باشی، وقتش است که وارد این بازی بشوی! باشگاه خودت را بساز، تیم را قهرمان کن و نشان بده کی بهترین مربی دنیاست! حاضری با مربی‌های دیگر رودررو بشوی؟ در رقابت‌های آنلاین، هر بار یعنی جایزه بیشتر و شهرت بالاتر. فقط کافی است وارد مسابقه شوی و مهارتت را به رخ بکشی! هر قهرمانی که کسب می‌کنی، یک کاپ به‌ویترین افتخاراتت اضافه خواهد شد. پس منتظر چه هستی؟ باشگاهت را بساز، ستاره‌ها را بخر و تاریخ‌ساز شو!

برنامه‌های صداوسیما

شبکه یک ساعت ۲۲:۱۵
خلاصه قسمت‌های سریال «سوجان»
شبکه دو ساعت ۲۱:۳۰
مجموعه «گیله‌وا»
شبکه سه ساعت ۱۶:۳۰
بارسلونا - لاس پالماس
شبکه نسیم ساعت ۲۱
مسابقه «سرنخ ۳»
شبکه آی‌فیلم ساعت ۱۷
مجموعه «آمین»
شبکه ورزش ساعت ۲۱
دورتموند - بایرن مونیخ

روایت

هیروشیمای پله و برزیلی‌ها

فینال جام جهانی ۱۹۵۰ چیزی نیست که هیچ‌وقت از ذهن برزیلی‌ها پاک شود. حتی کسب پنج قهرمانی جام جهانی بعد از آن واقعه هم نتوانسته تلخی آن روز را بزداید. در بازی فینال، برزیل مقابل اروگوئه قرار می‌گیرد. ابتدای نیمه دوم یک گل هم جلو می‌افتد. بیش از ۲۰۰ هزار نفر در ورزشگاه تازه‌تاسیس ماراکانا و میلیون‌ها نفر در خانه‌هایشان آماده برگزاری جشن قهرمانی هستند اما آن روز اتفاق دیگری می‌افتد. روایتی از آن روز را بخوانید: پله که در آن زمان پسرکی ۱۰ ساله بوده، اتاقی در حومه فقیرنشین ریوراتوصیف می‌کند. خانواده پرجمعیت آقای آرانتس دوناسیمنتو دور رادیوی کوچکی حلقه زده‌اند و به صدای گزارش زنده پرشوری گوش می‌دهند که از ماراکانا روی امواج سوار می‌شود و از بلندگوهای رادیو می‌پیچد توی اتاق. جشن دیگر چنان قطعی است که پله می‌نویسد بعد از گل فرا پیچ برای برزیل، تحمل آن حجم از انتظار برای شروع جشن و پایکوبی را نداشته و به کوچه زده تا با پسربچه‌های مثل خودش فوتبال بازی کنند. آن دقایق بزرگ‌ترین حسرت زندگی پله در آن روایت هم محسوب می‌شوند. او - نقل به مضمون - می‌نویسد انتظارش برای تمام شدن بازی و بیرون ریختن بقیه کمی بیش از حد معمول طول کشیده و وقتی با کنجکاوی به خانه برگشته، با تکان‌دهنده‌ترین خبر زندگی‌اش روبه‌رو شده: «برزیل باخته است». اروگوئه، در وضعیتی شبه‌محال، دو گل زده و بازی و جام را برده. رادیو خاموش است، در اتاق گرد مرگ پاشیده‌اند. پله بعدها بزرگ‌تر شده و همان جام را هم به خانه برگردانده اما حسرت آن دقایق و این که در بزرگ‌ترین تراژدی کشورش کنار خانواده نبوده تا ابد رهایش نکرده است. او می‌نویسد: «ما کشور بزرگی بودیم اما تاریخ چندانی نداشتیم. آن چه به نام کشور برزیل می‌شناختیم، عمری بیشتر از یک قرن نداشت و همین مدت اندک هم خالی از هر پیروزی یا شکست بزرگی در مثالا یک جنگ واقعی بود. جمعیت بسیاری، ما بودیم که در زاغه‌های ریوو سائوپائولو روزگار می‌گذراندیم و گروه اندکی ثروتمند، عموما سفیدپوست که در شهرها زندگی خودشان را داشتند... آن شکست اما چیزی بود که برزیل را کشور کرد. همه ما و همه آن‌ها را چنان همزمان خرد کرد و در هم ریخت که یک چیز شدیم؛ یک کل واحد که البته شکست خورده بود اما اگر نمی‌خورد کشور نمی‌شد. ۱۶ جولای ۱۹۵۰، هیروشیمای ما بود. غم بزرگ و عمومی، هم ما را هیچ کرد و هم همه را. آن جا تازه ملت شدیم و بعدها از چنین خاکستری بود که ققنوس برزیل برخاست.»

بریده کتاب

سلامت عقل در دل اندوهی بزرگ

در دنیایی که فکر می‌کنند چیزی به نام جامعه وجود ندارد، گفتن این حرف که افسردگی و اضطراب علل اجتماعی دارند بی‌مفهوم به نظر می‌رسد. با این حال واقعیتی است که همه ما در جامعه زندگی می‌کنیم و در این شرایط میل به پیوند و ارتباط هرگز از بین نمی‌رود. بنابراین به جای این که افسردگی و اضطراب خود را نوعی دیوانگی و جنون ارزیابی کنید؛ در این اندوه سلامت عقل را در نظر بگیرید. باید بدانید که حرف درستی است. بله، ممکن است همه روزه درد به سراغ‌تان بیاید اما بدانید که این جنون و زوال عقل نیست.

برگرفته از کتاب «روابط از دست رفته» اثر جوهن هری

داستان کوتاه

وقت رفتن رسیده بود؟

خوانا ادکاک | یک روز مثل شاهزاده‌ای کوچک به سفری دراز رفتم. ایگوانای خانگی، گلدان‌ها، ملافه‌ها، عکس‌ها و یخچالم را به ارنستو سپردم. من که بچه نداشتم به خودم می‌بالیدم که این چیزها را نگه می‌دارم؛ به ارنستو و ایگوانا غذا می‌دادم؛ هر دوشان خیلی کم غذا می‌خوردند. به گل‌ها آب می‌دادم؛ هر هفته ملافه‌ها را می‌شستم و عکس‌های روی دیوار م را دستمال می‌کشیدم و یخچال را خاموش می‌کردم که برفک آن آب شود.
خانه مرتب و خوبی بود اما وقت رفتن رسیده بود و باید خانه را ترک می‌کردم؛ مراقب خودتان باشید زود برمی‌گردم. با همه خداحافظی کردم. وقتی برگشتم، ارنستو لاغرتر شده و گل‌ها خشک و خاک گرفته بود و از عکس‌ها و ملافه‌ها خبری نبود؛ یخچال از شدت برفک درش باز نمی‌شد و مخزن شیشه‌ای پر از ماسه بود. از او پرسیدم این چه وضعی است، پس چرا به او اعتماد کرده بودم؟ گفت حوصله زلم زیمبو ندارد و دلش می‌خواهد دیوارها لخت باشد و تشک بدون ملافه؛ در مورد ایگوانا هم گفت هر روز به جای غذا یک مشت ماسه توی مخزن آب می‌ریخته؛ گفت اگر خانه را به اندازه کافی دوست داشتم پیش از آن که مدفون می‌شد باید برمی‌گشتم. مدتی طولانی در سکوت نشستیم و به ایگوانا چشم دوختیم که در ماسه‌ها شنا می‌کرد. گاه و بی‌گاه سر بیرون می‌آورد که نفسی بگیرد. دیگر نتوانستم تحمل کنم. مخزن سنگین را به پهلو غلتاندم و محتویات آن ریخت. ایگوانا هم غلت زد و بیرون آمد و پای کپه ماسه ولو شد و به زحمت فراوان نفس نفس زد؛ اژدهای باستانی که سرش بسیار گنده شده و رنگش از بین رفته بود. با احتیاط به آن نزدیک شدم اما به نظرم هیچ نترسید. آمدم بلندش کنم در دستم خرد شد. جز پوسته‌ای خالی از آن نمانده بود؛ شکننده و نازک؛ بغضم ترکید و زدم زیر گریه، ارنستو برای دلداری آمد، دست دراز کردم دست او را بگیرم که دستم در دستش فرو رفت و تکه‌های آن خرد شد و روی ژاکتم ریخت...

مرحله اصلی رزمایش مشترک ارس ۱۴۰۳ در ارتفاعات صعب‌العبور شهرستان مرزی اصلاندوز اردبیل اجرا شد

آماده باش در ارس

مرحله اصلی رزمایش مشترک ارس ۱۴۰۳ با حضور فرماندهان عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در ارتفاعات صعب‌العبور شهرستان مرزی اصلاندوز استان اردبیل اجرا شد. به نوشته مهر، در ابتدای این رزمایش سرتیپ پاسدار ولی معدنی معاون عملیات نیروی زمینی سپاه و ارشد نظامی کشورمان در این رزمایش با بیان این که «نیروی زمینی سپاه همواره نقش برجسته‌ای در برقراری امنیت کشور دارد»، گفت: این رزمایش یکی از صدها برنامه رزمی است که البته برای نخستین بار به صورت مشترک با کشور جمهوری آذربایجان اجرا می‌شود. سرتیپ وقار علیوردی‌یف رئیس اداره عملیات وزارت دفاع جمهوری آذربایجان نیز با بیان این که «مرحله چهارم این رزمایش از مرحله اصلی آن است»، گفت: در این مرحله گروه‌های مسلح غیرقانونی فرضی منهدم شدند. علیوردی‌یف در پایان سخنانش به خاطر برگزاری مشترک این رزمایش، از فرماندهان عالی رتبه نظامی جمهوری اسلامی ایران و شرکت کنندگان در آن قدردانی کرد. در ادامه، این رزمایش با رمز یا فاطمه الزهرا در ۶ مرحله تخصصی اجرایی شد. در مرحله نخست، پهپادها، عناصر سازمان یافته مسلح غیر قانونی را شناسایی و برای رؤیت فرماندهان، تصاویر را به دیدگاه ارسال کردند. مرحله بعدی این رزمایش بهره‌گیری از جنگ الکترونیک بود و نیروهای خودی با استفاده از سامانه‌های جنگال، ارتباطات نیروهای مسلح غیر قانونی فرضی را مختل کردند. سپس خلبانان زبده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای ویژه دو کشور را با استفاده از دو بالگرد به صورت مجزا در منطقه صعب‌العبور پیاده کردند. در مرحله دیگر، از هر دو کشور نیروهای ویژه از هر کدام به استعداد ۲۰ نفر وارد منطقه شده و ارتفاعاتی را که نیروهای سازمان یافته مسلح غیر قانونی در آن حضور داشتند، تصرف کردند. بعد از تصرف ارتفاعات، عناصر دشمن در تنگنا قرار گرفته و هنگام فرار با انفجار انواع مین در مسیر پیشروی آن‌ها با آتش‌های ادواتی از جمله موشک فلق با آتش پر حجم، منهدم شدند. در مرحله پایانی این رزمایش ضمن انجام عملیات هلی‌برن توسط نیروهای خودی، منطقه به صورت کامل پاک سازی شده و رزمایش ارس ۱۴۰۳ با نظم و انضباط دقیقی به پایان رسید. بعد از اتمام این رزمایش از فرماندهان نمونه هر دو کشور تجلیل شد. رزمایش ارس ۱۴۰۳، ۴ روز پیش به صورت مشترک توسط نیروهای ویژه نیروی زمینی سپاه و نیروی ویژه زمینی ارتش جمهوری آذربایجان آغاز شده بود و با اجرای مرحله اصلی رزمایش به کار خود خاتمه داد.

هرکس بی خبر از آخرت باشد پشیمانی اش در قیامت بسیار است

چهل روز از پرواز ابدی پدر نازنینمان، فرهنگی بازنشسته

حاج محمدحسن فدائیان

گذشت و ما ماندیم و یاد حضور پرمهرش
که تا آخرین نفس با ما خواهد بود.
از همه عزیزان و آشنایان که در این مدت از راه دور و نزدیک با همراهی و حضور مهربانشان مرهمی بر دل تا ابد داغدار ما بودند و به طرق مختلف ابراز همدردی و همدلی نمودند بی‌نهایت سپاسگزاریم.
خانواده فدائیان

جناب آقای دکتر ایمان کاشانی
با کمال تاسف و تاثر درگذشت **پدرخانم گرامیتان** را تسلیت گفته، خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
هیات مدیره، پزشکان، مدیریت و پرسنل بیمارستان و زایشگاه سینا

پنجمین سالگرد درگذشت
همسر و پدر عزیزمان **شادروان**
مهندس بهنام شایان
را به همراه تمامی عزیزانش گرامی میداریم.
مریم ظریف پور، اردلان شایان
کیاناشایان

مرگ دروازه آخرت است

جناب آقای مهندس حسین معدنیان و مصطفی معدنیان
غم از دست دادن **پدری مهربان و دلسوز**
حتما آسان نیست و تحمل فراوان میخواد،
امیدوارم در سایه ی الطاف الهی،
علو درجات اخروی نصیب مرحوم بزرگوار،
و توان صبر بر مصیبت با نگاه حق تعالی میسّر گردد.
مدیریت و پرسنل شرکت تدارک طب میلاد گستر

جناب آقای مهندس حسین معدنیان و مصطفی معدنیان
مصیبت وارده را به شما و خانواده های محترم تسلیت عرض نموده و برای شما صبر و برای درگذشته رحمت بی کران الهی را آرزومندیم با امید که روح آن مرحوم آسوده و خرسند در حریم امن الهی آرام گیرد.
مدیریت و پرسنل شرکت شهاب باند

جناب آقای مهندس معدنیان
درگذشت پدر گرامیتان
شادروان سید علی اکبر معدنیان
را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم مغفرت و برای شما خانواده محترم صبر مسئلت داریم
مدیریت و پرسنل گروه تولیدی پزشکی ورید